



گفتگوی «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» با مسئول بازرگانی داخلی کشور

توزیع صحیح نیازهای اساسی مردم،

درگروهمهارنقدینگی وتورم

اگرچه برخی از دولتها، «توزیع ثروت» را امری مافوق قدرت خود و ایجاد تغییر در آن را دور از حیطه عملکرد خود می‌شناسند. اما گمان می‌رود بجز دولتهای سرمایه‌دارین نام، دولتی باشد که در توزیع امکانات و ثروت و لذا و مایحتاج مردم مستقرترین برای خود نتواند.

برآمدهن تجارت داخلی و امر توزیع با محمد اسلامی سید معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی به گفتگوی سنجش و در این گفتگو، می‌گوید که در چند سال اخیر در وزارت بازرگانی مشغول به کار و پانین کردن روشهای توزیع، سرورگه زدن با توزیع کنندگان کم و زیاد کردن سهمیه مردم و تجربه اندوختی بوده است. بانکهای جدید به پشت سر، به نقد اوضاع تجاری کشور هستند. هرگاهی اسلامی سید از آنجا که به خلاف بسیاری دیگر از مسئولین به دفاع از اشتباهات نمی‌پردازد و گاه حتی جسورانه می‌تواند، خرافاتی نیست. صحبت با او با اسلامی سید که جوان و بی‌گناهی است، از طریق این «سازار شروع کردیم که «توزیع تجاری کالاها» در کشور طی سالهای پس از انقلاب چه تفاوتی با سالهای قبل از انقلاب داشته است؟

یکی از روشهایی که می‌شد توسط آن کسب را کنترل کرد و
بنده نیاز مردم را پاسخ داد افزایش واردات به تناسب تقاضای موجود بود این کاری است که قبل از انقلاب صورت می‌گرفت. کما اینکه میزان واردات که در سال ۵۹ و ۵۴ در حدود ۴ میلیارد دلار بود، در سال ۵۶ به ۱۴ میلیارد دلار رسید این امر نشانگر این است که چگونه مصرف به یکباره افزایش پیدا کرد و به ازای اینکه پول در جامعه تدریج می‌شد، ۷۴ هم وارد می‌شد است.

در بعد از انقلاب چند محدودیت کلی برای ما ایجاد شد که شکل کار را درگروگن کرد یکی اینکه ما نمی‌خواستیم این مقدار واردات داشته باشیم و واردات به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌شد بلکه تولید برای ما ارزشمند بود. افزایش واردات با تلفظ و فرسنگ بعد از انقلاب همانند کسب و کسب تاکید روی تولید بود. مردم اینکه امکانات واردات هم برای کشور ما توجه به واقع جنگ و محدودیت ارز و مبادی ورودی به اندازه سابق وجود نداشت. نکته دیگر این بود که کسری بودجه هم متناسب با افزایش جمعیت و تقاضا وجود داشت. کسر بودجه خود به خود شدیدتر است. و یکی از راههای خفیه با این تورم می‌توانست وکلور کالا باشد تا نقش بیان کننده داشته باشد البته امکان استفاده از این امر با توجه به توضیحاتی که دادم وجود نداشت است.

مقرله دیگری که در سطح کشور سبب افزایش مصرف شد، حمایت از مستضعفین یعنی محرومین سابق بود که از حقوق طبیعی خودشان دور نگه داشته شده بودند و اینها هم به مصرف کنندگان ما افزودند شدند جامعه روستایی که چندان مصرف کننده نبود به یکباره با ایجاد تانکسهای از قبیل جاده و امکانات سرویس‌دهی از بخش زیادی از کالاهای کشور به عنوان سهمیه مسلم و با سهمیه کلی روستاها برخوردار شد. در نتیجه به قیمت ایجاد عرضه جدید

شکست توزیع داشته و با شرکت‌های تجاری توزیع و با نمایندگی‌های خاص در اختیار داشتند که با سرمایه گذاری با کشورهای خارجی ایجاد شده بود و بازارهای و فروش کالا در بازار را انجام می‌داد.

تکلیف جمعیت شهری و روستایی ما هم تناسب کمونی نبود و جمعیت شهری کمتر از ۵۰ درصد کل جمعیت بود. شکلی که اکنون ما داریم، تغییر ترکیب جمعیت به نفع جمعیت شهری است و اکنون جمعیت شهری بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. طبقه زمانی که ترکیب جمعیت به نفع شهر روستایی بود به علت محدودیت قدرت خرید روستاییان و کمی امکان حمل و نقل و سروسا هلی خدماتی و آنان و همچنین عدم اشتباه جامعه روستایی ما فرسنگ مصرف ۷۰٪ برای شهری (نسبت به جامعه شهری) مصرف روستاییان به اندازه جلا نبود.

نکته دیگری که نسبت به قبل از انقلاب تفاوت خاص کرده، این است که نیمی از جامعه که در دوران قبل از انقلاب روستایی تلقی می‌شد، به عنوان مصرفی که می‌بایست محرومیت‌هایی به آن تحمیل شود محسوب می‌گردید. نکته دیگر می‌شد که قبلی نژادها این گروه همانند جامعه شهری مصرف کننده باشند و یا به اندازه مردم شهر از امکانات برخوردار گردانند. این امر به گردانند نظیر سهمیه وجود داشت مبنی بر این که قدر روستاییان احتیاجی به مصرف پودر و حبوبات و پودر و نطفات مشابه قدر شهرتین ندارد. افزون بر این، امکانات اجرایی رساندن کالا به روستا و ایجاد مصرف در روستاها وجود نداشت.

نکته دیگر قدرت خرید در جامعه است. قدرت خرید در جامعه برون قبلاً با تولید ملی کشور تناسب داشت، اما فاصله قیمت بسیار شدیدی نشانمید و ملی در حال حاضر این فاصله را داریم. قدر حاصل از جنگ و کاهش درآمدهای نقدی است. در حال حاضر، قدرت خریدی در داخل کشور داریم که در مقابل آن تولیدی وجود ندارد و طبیعتاً این تفاوت قدرت خرید من تقیدینگی و تواره کشور را تورم می‌پوشاند.

امر توزیع در کشور ما خصوصاً بعد از آغاز جنگ، نسبت به قبل از انقلاب تغییر بسیار زیادی کرده است. قبل از انقلاب برهمن برای این بود که تولیدکننده‌ها و واردکننده‌ها کالاهای تولیدی و با وارداتی را توسط عوامل توزیع و با نمایندگی‌ها توزیع می‌کردند این عوامل و نمایندگان بنگارانی بودند که کالا را از مبادی وارده و ما تولید شده دریافت و به شهرهای بزرگ توزیع می‌کردند. بخشی از کالا پس از اینکه به شهرها و خصوصاً شهرهای بزرگ منتقل می‌شد، متناسب با پالنت اجناسی و با توان اقتصادی روستاها و اشتباهی فرسنگ روستاها، توسط عوامل فروش و واسطه‌ها به روستاها برده می‌شد این عوامل با ثابت و وابسته به روستا بودند و در جوار کار کشاورزی مغازهای را نیز اداره می‌کردند و کالا را به دست روستاییان می‌رساندند و با اینکه عوامل بسیاری بودند که زندگی ثانی در روستا نداشتند این افراد به شکل چرشی و سرکشی به روستاها می‌رفتند و سود مردم نیاز روستاییان را در اختیار آنها قرار می‌دادند و به ازای آن کالای پول دریافت کرده و کالای روستاییان را بندگان می‌کردند تا در فصل عرضه محصول کشاورزی، بخشی از محصول را در قبای طلب خود دریافت کنند. از طریق عرضه و تقاضا نیز یک ارتباط نزدیک بود و حتی در بعضی از ایلات تعداد کمتر از عرضه بود. به همین جهت امر تبلیغ پیش می‌آمد و عرضه کنندگان مجبور بودند توسط چاپ پوستر و آگهی تبلیغاتی در مطبوعات و تلویزیون مردم را با کالاهای مصرفی جدید آشنا کنند و با دادن جزوه، این کالاهای جدید را به فروش بیاورند. این مصرف طبیعتاً مصرفی طبیعی و خودمختار نبود خصوصاً در بیست ساله قبل از انقلاب، مصرف ما متناسب با بافت اقتصادی - اجتماعی و فرسنگیان نبود. این مصرف عیناً جنبه وارداتی داشت و چون وارداتی بود احتیاج به تبلیغ و قدرت خرید داشت تا هم به جامعه معرفی شود و هم توان خرید آن در جامعه ایجاد شود.

سهم عمده مد در این میان در اختیار شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ، بوده که با خوششان تولیدکننده بودند و

در روستاهای در شهرها کاهش عرضه داشتیم. نگاهی به زندگی جامعه روستایی به ویژه مناطقی که زندگی زراعی داشتند و امکان رساندن خدمات به آنها موجود بوده نشان می‌دهد که ما چگونه شکل زندگی را در روستاهای خود کرده‌ایم. البته این به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود که روستاهای دوره که از امکاناتی که متناسب با مقتضیات اجتماعی و اقتصادی آنهاست برخوردار شوند البته به با کار کردن این ارزش. ما سهم کالاهای جامعه شهری را به نفع جامعه روستایی می‌کردیم.

برخوردها چندسویه

اولیای جمعیت، خصوصاً افزایش جمعیت شهری نسبت به روستایی، افزایش قدرت خرید، محدودیت های انرژی، محدودیت های تولید، محدودیت های منابعی رود در کالاهای و ارزشهای آتلاهی و حمایت از انتشار مبروم جامعه، خصوصاً انرژیهای بخش جنگ که گاز تا ۷۰ درصد از برخی موارد سهم می‌برد، چند مولفه‌ای هستند که چهره بازارهای داخلی کشور را در سالهای بعد از انقلاب دچار دگرگونی کلی کرده‌اند و باز هم باید بپذیرد.

ما در مقابل جنبه وضعیتیتی چند کار می‌نویسیم. یکمی از معیار کار سابق را ادامه دیم و همان شبکه قبلی توزیع، تولید

واردکننده، نمایندگی‌ها و بانکداران را که کالاها را به شهرها می‌رسانند حفظ کنیم. در این صورت به بخشی از روستاهای، کالا می‌رسد و به برخی دیگر نمی‌رسد. در این صورت، همین در صورتیکه وضع را به حال خود می‌گذاشتیم و مواضع سیستم توزیع قبل از انقلاب نشیمن، این به معنی آن بود که این مناطق بار تورم را بین همگان بسالیم و تقسیم کنیم. در این حالت حقوق بیگانه ثابت تحت شرایط بسیار سستی قرار می‌گرفتند. این شکل در برخی از نظامهای وابسته اجرا می‌شود و شاهد تورم شدید و زیاد بین فاصله طبقاتی بین قشر انبساط و سربوب فلزا در صورت بروز عکس العمل هستیم. این شکل نه با ارزشهای انقلاب سازگاری داشت و نه برای عموم قابل تحمل بوده و نه به شکل نظام و حاکمیتی سیاسی کشور به این شکل به بقای خود ادامه دهد لذا بازار روستاهای طرامی نشیمن را باز کنترل نمود و بار کارهای حیاتی را به یکی از طبقه های آخر از سلسله گرفتارهای قبلی ما است. به این اثر ارزشهای انقلاب حاکمیت باید این بود که به صورتی است اصل سهمیه بندی مطرح شد که به چند شکل بود. یکی سهمیه بندی بین بخشهای عرضه مصرف کننده مانند دستگاههای دولتی، بخش جنگ، جامعه شهری، جامعه روستایی، سهمیه بندی استانی، سهمیه بندی بین گرفتاران و کارگران، در بخشهای دیگر سهمیه بندی به برخی های دیگری است و سهمیه بندی به بخش مواد غذایی و کالاهای مرتبط با بهداشت عمومی که نقش حیاتی دارند. دست به سهمیه بندی سرانه برتیم.

در بخشهای دیگری، مصرف را محدود به دارنندگان مصرف‌دهنده خاص کردیم. مثلاً در بخش مسکنی که کسانی که هنوز ساخت دارنند می‌توانند این کار بکنند و در اوقات نیاز با کار کردن و کسانی که این محرز ندارند باید با بانک و بانکهای فراوان کالای ساختمانی دریافت کنند و با کلاً محروم باشند.

گسترش بخش خدمات توزیع

اما هر بار با تبعات جدیدی که بعد از انقلاب و به خصوص پس از جنگ به وجود آمد، در شبکه توزیع چندینی بر این بنگریدیم. علت آن این بود که شبکه توزیع موجود به طور خود به خود گسترده‌تری فراوانی داشت و فکر ما این بود که در صورت ایجاد شبکه‌های جدید، هزینه این شبکه‌ها سرشار می‌شود. خواه شد یکی از راه‌های حل، همکار داشتن این بود که شبکه توزیع موجود را محدود کنیم که به ما مفهوم محدودیت فیزیکی بخش پیشی ضرب این ایجاد بود و یا

اینکه ایجاد محدودیت در ارائه کالاها و امکانات به برخی از واحدها بود زیرا در شرایطی بعد از انقلاب و خصوصاً در شرایط بعد از جنگ، گسترده‌تری زبانی در بخش خدمات رسانی ما ایجاد شد. کسانی که به نوعی از دستگاههای دولتی ارائه شدند و با این روستا به شهر مهاجرت کردند بیشتر به برخی از واحدها و خصوصاً واحدهای توزیع جلب شدند. از اینرو ما این واحدهای توزیع دست به گریزی بیشتر و بیشتر از واحدها را در منظر قرار دادیم که نمی‌توانستند تحت شرایط خاص ما کالاها را به دست مردم برسانند و از افزایش کالایی عرضه فاخر جلوگیری کنند. روش دیگر تقویت تعاونی‌های مختلف بود تا طریق آنها بخشی از کالاها را به دست آنها و به دست مصرف رسانی این کار انجام شد و با گزینش بخشی از واحدهای هستی موجود و تقویت تعاونی‌های مصرف، کالاهای دارای حساسیت و تاکنون از این طریق در اختیار مصرف کنندگان قرار داده‌ایم و به این روش ادامه خواهیم داد.

در مورد گسترش واحدهای سنتی ما قانونی به نام قانون نظام صنفی نیز داشتیم که منعقد به قبل از انقلاب است

*** موضوع که چرا بر زندگی و قاطعیت لازم در مورد حل مشکلات توزیع وجود ندارد، بر می‌گردد به تفاوت دیدگاهها در کشور.**

*** در حال حاضر، ما سعی داریم بر شرایط از نیازهای اصلی جامعه را از برخورد گونه تورم با آنها دور نگه داریم تا این بهمین عظیم روی نیازهای عامه مردم سرازیر شود.**

دوران انقلاب، یک مرحله، بر راه رفتن است. این قانون می‌بایست اجرا می‌شد و یکی از ابزارهای کنترل و جلوگیری از گسترش واحدهای سنتی اجرای همان قانون بود که عملاً چند سال به تأخیر و تعویق افتاد. بخش‌هایی از بخش ۴۰۰ در بخش ۴۰۰ و بخش ۴۰۰ است. این امر می‌بایست در شرایطی که این قانون وجود داشت و تفاوت‌های اصلی که در مساله توزیع و روشهای توزیع وجود داشت، و طبیعتاً بخشی از این قانون می‌بایست توسط نمایندگان صنف به اجرا می‌آمد. این بخش ۴۰۰ در بخش ۴۰۰ است. این امر می‌بایست در شرایطی که این قانون وجود داشت و تفاوت‌های اصلی که در مساله توزیع و روشهای توزیع وجود داشت، و طبیعتاً بخشی از این قانون می‌بایست توسط نمایندگان صنف به اجرا می‌آمد. این بخش ۴۰۰ در بخش ۴۰۰ است. این امر می‌بایست در شرایطی که این قانون وجود داشت و تفاوت‌های اصلی که در مساله توزیع و روشهای توزیع وجود داشت، و طبیعتاً بخشی از این قانون می‌بایست توسط نمایندگان صنف به اجرا می‌آمد. این بخش ۴۰۰ در بخش ۴۰۰ است.

مثلاً الان در واحدهای توزیع مرغ تهران، سهمیه روزانه حدود ۷۰ تا ۱۰۰ کیلو است و صاحبان واحدهای سنتی معتقدند ضرر حاصل از فروش این مقدار مرغ وسیله گران زندگی آنها را جبران نمی‌کند. ما اگر می‌توانستیم دیدگاه خودمان را در این زمینه اجرا کرده، و به کار گیریم می‌بایست تعداد فروشنده‌گان را به گونه‌ای محدود می‌کردیم که می‌توانستیم زندگی خود را بگذرانند. این مسوده کردن قانون و محرومی می‌خواهد که جبران قانون در چند سال گذشته ما قاصد داشتند و بین ما و آنها فاصله بود و به نظر احساسات نظامی وجود داشتند است و اکنون ما این گرفتاری را داریم. البته قانون روشن بود و متلازم در قانون پیشینی بنده که در انتداب‌دهنده متعلقه ایجاد شود زیرا کنترل شده به این بزرگی با یکدیگر تشکیلات مرکزی ایجاد نمی‌تواند. ولی کسانی که در کمیته امور صنفی سابق بودند، بیشتر نظرشان این بود که انتداب‌دهنده باید واحد باشند و

خاطر همین تفاوت نظر، امکان اجرای قانون نبود. در روزهای ۲۸ خرداد انتخاباتی در انتداب‌دهنده تهران طی اسامی و ۳۰ سورت گرفت که از نوع واحد بود و زمینه راهی برای انتخابات متعلقه فراهم نمود. در این سالها انتخابات به شکل متراکز اجرا شد و ما این موضوع رویداد بودیم که قانونی بود که برای زمینه اجرای قانون را فراهم کردیم. ولی اجرای بسیاری از این طرح‌ها و مصدبها ایجاد شد که برای اجرای آن تلفت بود حاصل کار این شد که اکنون ملاحظه می‌شود در بنگاله اخیر با تلفات ایجاد شده، موردیوار ما را به سرانجام برسانیم و به خاطر اینکه عمر قانونی پیش از دو سوم خنثی‌های رتبه سابق است، می‌بایست انتخابات فراهم شد و نمایندگان واقعی که علاوه بر مسوولری برای همکاران صالح عمومی جامعه نیز برای آنها مطرح باشد انتخاب شوند.

ناسالم بودن ساختار تولید، مشکل اصلی

*** اطلاعات:** در کنار ارزشهای انقلاب که شایع به آنها اشاره کردیم و متناقض آن با سیستم تبلیغ برای مصرف هر چه بیشتر کالا، مساله انگلیز می‌صرف مطرح می‌شود. این وزارت بازرگانی این زمینه ایده‌ای داشته با نام و ادامه روند سابق را که در روشهای تولید فروش توامان و آجباری کالاها مشاهده می‌شود چگونه می‌توان توضیح داد!

اسلامی نسبی؛ ریشه این جریان به عرضه ناسالم می‌گردد. عرضه مردم نظر می‌تواند عرضه کالاهای وارداتی و با عرضه کالاهای تولیدی باشد. از عرضه ناسالم در کالاهای وارداتی به طور عمده جلوگیری شده است. در بخش تولید داخلی، ساختاری وجود دارد که از قبل از انقلاب به جا مانده است. خطوط تولیدی وجود دارند که مطابق با ارزشهای قبل از انقلاب است و با ایجاد دست در مصرف کالای تولیدی این نیز بعداً خلق شود. این واحدها در حال حاضر وجود دارند و علی‌رغم اینکه جامعه امروز ما محصول آنها را از طریق سازندگان کالا به طریق مختلف شخصی، به تولید این کالاها ادامه می‌دهند. این منابع می‌تواند منابع فرد، منابع کارخانه و یا حتی منابع یک کارخانه باشد که مانند تولید آن با وضع سازگاری دارد مشاهده شده است. این کالاها، کارگاه‌ها متعلق به مردم عرضه و تحویل می‌شود. در این مورد بخشنامه‌ها و جلسات متعددی شده است ولی استقلال طرف مقابل این است که در این تولید کارگزارانی متعلق دارند که نمی‌توان آنها را یکبار کرد و بنابراین مصرف‌کننده این کالاها را نمی‌تواند گسترش دهد. این در مورد سهمیه بندی ارزشی کنترل زبانی اصلی نمی‌شود و اگر نه مشاهده که در بخش کالاهای وارداتی کنترل صورت می‌گیرد. در بخش تولید

هم باید این سیاست گذاری صورت گیرد که ارزش ارائه شده دولت، در جایی مصرف شود که مورد نیاز مردم باشد. این امر که از کشور ضرر رود و با تولید کالاهای خود که مردم نیاز مردم صرف نیست و مبادعه بین مصرف‌دهنده و فروشنده تئوری و عملی که تاکنون با این قضیه شده، هنوز هم این موضوع حضور جدی دارد و نمی‌توان گفت قلبی از آن مانده است.

*** اطلاعات:** آیا زمان فروست ۸ ساله برای تغییر این ساختار کافی نبوده است؟
اسلامی نسبی: انتخاب این مساله که هر کسی می‌خواهد چه چیزی تولید کند، به توانایی او بستگی دارد و وابسته‌ها نیست و بخشی از آن هم که می‌بایست باشد، اکنون در اختیار دولت و وزارتخانه‌ها نیست.
*** اطلاعات:** ما در دوران جنگ مصیبت و به هر حال و با دلار بسیار داریم. وقتی ما در مورد دارو دچار مشکل می‌شویم چگونه طی این چند سال تصمیمات اشتباه شده توسط دولت‌های ناکافی بوده، آیا بخودخواهی یا این قضیه وجود بوده است؟
اسلامی نسبی: این مساله به مسائل فرهنگی و در بحث بازرگانی برمی‌گردد. ما در بحث بازرگانی داخلی و اینکه چه

*** در یکسال اخیر به علت اینکه**
 تعاونیها نمی توانستند خود را آلوده به
سیستم ارزی دوازدگی کنند و
 خریدهای ریالی - ارزی داشته باشند،
 به میزان زیادی دچار محدودیت
 فعالیت شده اند.

*** به خاطر مشکلات مالی**
 کارخانه ها و وجود نقدینگی نرزد بخش
 خصوصی، تعاونیها با کم مهری
 واحدهای تولیدی روبرو هستند در
 حالیکه با بازار گاتان و تجار با لطف و
 مهربانی بیشتری برخورد می شود.



*** نقدینگی بخش خصوصی که**
 کالاهای وارداتی را تعقیب کرده و
 قصد دارد آن را از مسیر پارک و
 کنترل شده آن خارج کند، شب و روز
 نمی شناسد و با یک جنون سرمایه
 داری تمام عیار این کار انجام می
 دهد.

*** در شرایط بحران ارزی و**
 راندانان گزرنه تولید، برای حفظ اشتغال
 اجباراً اموال تولید بالا رفت یعنی در
 حقیقت بهای حفظ اشتغال را مصرف
 کنندگان پرداخته اند.

واردات را به طور عمده دولت انجام داده است. در حال حاضر چون ضرورتی مابه صورت زامینتی مشخص و به طور عمده صورت می دهد، بیرون آن می بایست توزیع فرم ملی برنامه مشخص و مدونی صورت گیرد.

به همین جهت کالاهای ضروری را برای برنامه زمان بندی شده وارد کشور می شوند. برای برخی کالاهای مانند فلزات در میانی ورودی دوازدگی داریم و این کالاهای را به تهران می آورند تا در اینجا امکانات تولید کالاهای وارد محلی و به امر بازرگانی می شود. عملیات تولید داخلی می کند. همچنین می گویم و به شکل مشخص پندی استانی سهم هر استان را تعیین می کند. هر استانی که به جودی مخصوصی نزدیک باشد، سهمیه خود را از آن دریافت می کند. سهمیه پندی استانی تعیین می کند. هر استان از هر کالا چه مقدار سهم می برد. ادارات بازرگانی استان نیز سهمیه هر شهرستان را تعیین می کنند و پس از ورود سهمیه به شهرستان تحت نظر مسئولینی که توزیع کالا نظارت دارند، سهمیه مشخصه دولتی، مهابادگاریا مردم شناسی شده و به شکل فرم و حواله و یا فقره در اختیار مصرف کننده قرار می شود.

روی اجناسی که از خارج می شود، اصداً تسلط بیشتری وجود دارد ولی بر آنچه در داخل تولید می شود یعنی مواد گندمی کسری اشکال دارد. در مورد واردات، این سازمانهای تابعه وزارت بازرگانی هستند که وارد کنند می باشند و به همین جهت اعمال سیاستها به واحسی ممبر می شود. ولی در مورد تولیدات داخلی به دلیل اینکه تنوع و پراکندگی آنها زیاد است، و مالکیت کالاهای خانه ها متفاوت است و گاهی دستهای واردات ممبرهای کالاهای خانه ها متنوع است، تعداد دوازدگی در سیاست گذاری موثر مراقب می شود و مستلزمات به شکل مطلوب و دلخواه سهمیه پندی اجرا می شود. حتی در مورد کالاهای حساس و ضروری هم که سازمانهای برای سرمایه گذاری می کنند، در امور اقتصادی مناسجه می بینند. مقراری از کالا توسط ممبران واحدها و به سلبه آنها توزیع شده است.

سازمان «پارچه» ها
 با سوی دیگر مردم دولت دارند مشکلات بازرگانی کشور را وزارت بازرگانی حل کند. این جن مردم است ولی ابزار لازم برای این کار در اختیار وزارت بازرگانی نیست. به طوری که اگر واحسی تنظیم کند و مطابق دستورالعملها کالاهای تولیدی را در اختیار واحدهای مشخص توزیع قرار ندهد، نمی توانی با آن برخورد کرد. البته دستورالعمل وجود دارد و برای تمامی کالاهای ضروری برنامه مشخص و مدونی تهیه شده است. ولی اینکه تولید کننده به این دستورالعمل پایبند باشد یا نه، مسئله است. به عنوان دیگری آن را تعیین می کند. برخی واحدها دستورالعملهای نهاد ارگان و با سازمانی که به آن وابسته هستند در توزیع خود به کار می گیرند. مثالشان برداشتهای سیاسی اجتماعی هم با این مرسوم سلطنتی می شود و با اینکه انبوه ظلم است.

که آنها با همین ارز دولتی به تولید مشغول است کاری نکرده ایم. البته در چند سال گذشته شرکتها می مانند دریافت به ارویتهای در تخصیص ارز صورت گرفته است و با سخت رفتن شرایط، سیاستهای ما به تدریج تکمیل شده اند. کما اینکه مثلاً اعمال شکل تخصیص ارز را تغییر داده ایم. قبلاً ارز را به دستگاهها تخصیص داده می شد و این دستگاهها ارز دریافتی را برای اداره واحدهای تحت پوشش، سهمیه بندی می کردند، هر دستگاه سیاست مصرف کنندگان نهایی ارز مشابه یکدیگر نبود. زمانی برای حل همین مشکل کارخانه و با برای حل مشکل وارد کننده تخصیص ارز می شود و زمانی هم می توانی برای حل مشکل مصرف کننده تخصیص ارز را صورت داد. تفاوت در حل مشکل کارخانه و با وارد کننده بود که مسئله تخصیص ارز صورت می گرفت. اخیراً با مشخصی که با آن روبرو شدیم، به این است می رویم که باید تخصیص منابع با توجه به مصرف صورت بگیرد. بنابراین به تولید کننده، ارز می توانند در برابری نیاز مردم سهمیه داشته باشند. ارز تخصیص داده می شود، مثلاً اکنون گروهی از کالاهایی که مورد نیاز جامعه است شناسایی شده و تولید آنها برآورده شده است تا با پیشگیری از تیراهی آنها باقیمان این روشی که تخصیص ارز را به دست وزارتخانه ها سپاریم، آنلاف منابع ارز را در دست داشته است. بنابراین بخش این سوال است که چرا از دولت صرف تولید کالاهای ضروری می شود این است که سرمایه ها قسبه که تخصیص ارز است، با بازرگانی داخلی حمایتگانه است و واحدها با مواد مورد نیاز که کم تولید کرده اند و با نسبت به تولید کالاهای زده اند که مورد نیاز جامعه نمی باشد.

گردش کالا

*** اطلاعات:** مراحل چابجایی بک کالا از کارخانه با مبادی ورودی کالا از مانی به دست مصرف کننده نهایی برسد چیست؟

اسلامی تهیه در این مورد به کشور ما قبلاً یک شکل سنتی وجود داشته که بر مبنای واردات کالاهای نامنتوگنی های که کالا را کارخانه به مصرف کننده می رسانند، با گرفته بود. هنوز هم آثار وجود سیستم - سیستمی در مورد برخی از کالاهای وجود دارد. این شکل هم در مورد کالاهای وارداتی و هم کالاهای تولیدی حاکم بود ولی این تفاوت وجود داشت که قبل از انقلاب تمرکز کالاهای واردی در تهران بود و کالاهای وارداتی می بایست به تهران می آمد.

در داخل خابندگان و تجار، و شرکتها بزرگ وارد کننده قرار می گرفتند. بعد از تهران چند شهرستانها توزیع می کردند و در اختیار نمایندگان ها و عوامل آنها قرار می گرفت. سپس به دست توزیع کننده ای جرم می رسید. شکل کارهای آزاد و انگیزه آنها فقط سود بود. بعد از انقلاب، دستگاههای عبور کالا و روهایی گذاشتند تا قبل از انقلاب تفاوت تغییر پیدا کرد بعد از شروع جنگ و از سال های ۵۹ و ۶۰ به بعد.

چیزی تولید شده و چگونه توزیع شود، یک دستورالعمل معین و ثابت داشته باشی از قبل داشته باشی. الان هم نامریدر در این امر که کارخانه ها باشند برابر با نظر ما تولید کرده و مطابق نظر ما کالای خود را بفرستند. در حال حاضر خسته وارد است. کما اینکه ما در حال حاضر اعتقاد داریم بسیاری کالاهای تولیدی خود ولی این کالاهای تولیدی می شود. در مورد بسیاری از کالاهای فعلی حتی مساله عرضه و تقاضا و کمیتس بازار مطرح نیست بلکه این کالاهای در کنار کالاهای مطلوب تحویل می شوند. حتی در بخشی از واحدهای که ملی شده اند و مدیریت دولتی دارند ساختار همان است که قبلاً بود و صرفاً مدیر جدیدی به جای گرفته و مشکلات قبلی را پیش پای خود دارد. ما می توانستیم در بخش تولیدی این کار تاکنون کار شده است. کار انجام بدیم. مسکن است مقراری از مساله به این مربوط باشد که برخی دستگاههای مرتبط با این مساله دنبال قسبه ترفه باشند و باید آنچه در کشور تولید می شود، زیتر از تولید می شود. در حال حاضر وجود کسری نیست که واحدهای تولیدی آنها فکر می کنند در برنامه نیاز است تولید کنند. صرفاً مساله سود مطرح است و موانعیکه در تولید نفسی وجود داشته باشد، این نقش به بخش توزیع هم تری می باید و در بخش توزیع حتی تخصص هم وجود می آید. فکر می کنیم روی جزئیات امر تولید در واحدهای تولیدی باید نظارت بیشتری اعمال شود و نوع کالاهای تولیدی با سیاست سازمانهای مانی و وزارت بازرگانی تعیین شوند. زیرا حتی برخی از کالاها در مورد نیاز جامعه تنوع ملی و آلودگی مصرفی ما حمایتگانه نیست. باید بعد از ایجاد حمایتگی با وزارت بازرگانی که تعیین کننده مصرف است، امکانات در اختیار واحدها گذاشته شود. در مورد حاضر از امکانات عمومی مانند آب و برق و ارز کالاهای کالاهای تولیدی می شود که ممکن است بی حاصل بوده و به فرد ما نخورد و مجبور باشیم برای برخورد با عواملش این موضوع را در پیشتر صرف کنیم. البته کسری صورت گرفته است ولی کفایت نمی کند و نمی توان قطع و یقین گفت که چه مانده دیگر این ساختار تغییر می کند.

*** اطلاعات:** آیا نمی توان این سیاستها را به شکل ضرورت و اجبار درآورد و آنرا تحت عنوان اشتغال، سود که بکم وارد کرده است. به کار گرفت؟
 اسلامی صورت شرط توزیع صحیح کالا این است که از افرادی قسبه، واردات و تولید متناسب با نیاز جامعه باشد. اگر این دو محوله محدود شود، می توان به مطابق این عملهای توزیع را سالم کرد. اگر در این دو صنایه مشکلاتی وجود داشته باشد، این مشکلات به شکل کالائی به سیستم توزیع منتقل می شود. البته این کار انجام دشمنی است و ما در بخش واردات عمده خود را به انجام رسانده ایم و این بخش در

است و در مجموع، سبب غیر عادلانه شدن توزیع و کم و زیاد شدن کالا در مناطق مختلف می‌شود.

در این قفسه یکی سبب عرضه باری وجود دارد و موثر است. خصوصاً در کمال اخیر که توزیع ارزها متفاوت بود است. از آنجا که تمرکز کنترل و توزیع ارزها بازگشتی بوده از دولتی است، توزیع ارز کنترل و وزارت بازرگانی و مورد کالاهای تولید داخل و بخشی از واردات که با ارز خریدنی صورت می‌گیرد و مشکلات توزیع مزاجه کرده و به توجه به اینکه ارزهای غیر دولتی با تأمین بخشی از نیاز کشور که حدود ۶۰۰ میلیون دلار واردات است در حال نشان دادن خود هستند و نمی‌توان گفت این حجم واردات تقریباً نصف سهم وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و وزارت صنایع محلی است این ارز از چنین حجم بزرگی که تولید و توزیع و روشهای اجرایی آثار خود را نشان می‌دهد تلاش می‌کند بر این بوده است که با شرایط جدید پولتیم سیاست‌های جدید اصلاح ملی در موجب آن بود پیشگیری نسبت ملی که بطور نسبی ایجاد شده بود، شروع به ضمن جهت سیاست‌های متفاوتی ایجاد شده تا سازماندهی قبلی ما به تا نگذارد که هم در این مورد و هم در مورد صنایع عمومی مردم را مسلط بر منابع کارخانه‌ها و تولید کننده قرار دهد و خصوصاً تعاونی‌ها را این صنعت از گروته رقابت خارج شوند یکی از خطراتی که در مورد واردات صنایع است عدم امکانهاست که به ما در این مورد می‌شود. با ارز دولتی بود اگر چه از نظر دولتی ما وارد بازار شده، زمینه تطابق هزینه و ماهیتی تطابق ما با این

جدید کار، مشکل است و علی‌الخصوص در رفتار تولید کنندگان وارد کننده این موضوع عدم شیوه که قصد دارند از این اوضاع ایجاد شده، شکاف عمیق نیز ایجاد کنند تا بتوانند مثل گذشته‌ها، خوششان در مورد کالاهای تصمصم بکنند.

اینکه چرا اکنون برتری و قاطعیت لازم در این مورد وجود ندارد تا کشور را حل کند، برمی‌گردد به تفاوت دیدگاهی در دستگاههای محافظتکننده کشور درباره روش کار و اجرایی بازرگانی و توزیع وقتی اعلام شد که مردم هم منعکس می‌شود بخشی از مردم هم کسانی هستند که از این روشها ناراضی هستند و این سیاست‌هایی که ما اکنون اصلاح می‌کنیم، ممکن است حلقه غلبه تولید کننده داخلی و وارد کننده خاص تولید کنندگان فعلی این بخش به کف گشته و ابراز عقیده‌ها استهانه می‌کند و ما را زیر فشار می‌گذارد که به نسبی از این چاره‌های عدول کنیم.

در دستگاههایی که کماالات برای غلبه مطرح می‌شود، تفاوت آراء وجود دارد، این تفاوت آراء در مناطق مختلف، تفاوتی است که برخورد قوی ما با مساله ایجاد شده و توزیع می‌کند و ما ناچار هستیم که علی‌رغم وجود یک قانون موثر، روشن و سریع، کار کنیم و عدم وجود این قانون را برای غلبه دیگران در کنار نتایج حاصله در بین مساجان کالا اعم از تولید یا وارد کننده، به اشتدگی بیشتر بازرگانان تجدید است. ما واقعاً با چنین تناقضی درگیر هستیم. این وظیفه ما است که با چنین تعدد تعدد تعدد عرصه به قیمت عرضه به دست مردم برسیم. ولی آیا با هرج و مرجی که در بازار وجود دارد، نمی‌توان برخورد کرد به عقیده من می‌توان این کار را کرد هنوز جای دارد که کارهای دیگری هم بکنیم ولی مهمترین رکن هر کار، بکنندگی برخورد است و برداشت واحد در بین قانونگذار، دستگاه اجرایی و دستگاه مملکتی که سخت‌اش بین مردم خریدار دارد و ناآفته است، اگر وجود داشته باشد، هنوز جای کار هست و می‌توان بخشی از بی‌نظمی موجوده را به نظم درآورد.

خفت‌المول بخش تعاونی

● اطلاعات: بخش تعاونی به محبت‌های خودشان انشاء کرده که بخش تعاونی به خاطر برخی شرایط جدید به قول است. برای اینکه بخش تعاونی به عنوان عمود بخش از اقتصاد کشور حضور بیشتری داشته باشد چه باید کرد؟ از آنکه بخش تعاونی به مقدار بیشتر از این استفاده نمی‌شود که

حالی که این شبکه بخش عمده‌ای از جامعه را که در اختیار درآمده است، می‌پوشاند.

اسلامی نسبت به ادعای مصرف در رابطه با اعلام و کالاهای عمومی می‌تواند بیشتر مفید باشد سیاستی که ما تاکنون نادیده این بوده است که از کل کالاهایی که ما اختیار ما دارد، حدود ۹۰ درصد را در گروه لوازم برقی، لوازم خانگی، مسجودات و مانند اینها در اختیار تعاونی‌های مختلف مصرف و بنیادها و ارگانها قرار دهیم. در حال جاری ما توجه به اینکه امکانات ارز دولتی در صورتی که این گروه کارخانه‌ها اختصاص پیدا کرده تولید کنندگان این محصولات به سوی جلب ارزهای صادراتی کفنه شده و افتاده و مدتی هم به فروش برای ربانی پرداخته که سستی منی در برکنش جهت بازی فروش به دلار و ریال بود. تعاونی‌ها هم یک سیستم مالی معینی داشتند که امکان آوردن آنها به این سیستم موجود نبود این تعاونی‌ها براساس ضوابطی ایجاد شده‌اند و می‌بایست ارزش‌هایی را حفظ

● در حال حاضر در این امر که کارخانه‌ها می‌توانند باشند برابر نظر وزارت بازرگانی تولید کرده و مطابق نظر مسئولین کالای خود را بفروشند، خدشه وارد است.

● واردات توسط بخش خصوصی به باز ارز صادراتی به ۶۰۰ میلیون دلار می‌رسد و این مقدار تقریباً معادل نصف سهم ارزی وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و وزارت صنایع محلی است.

● در یک سال اخیر متوسط بودن نرخ ارز و تمرکز کنترل دولت بر کالاهای تولیدی با ارز دولتی را کاهش داد.

کند در نسخه به خاطر این ارزشها از ضیعت رقابت، جدا می‌ماند و به همین دلیل این مشکل برای تعاونیها ایجاد شد و وزارت بازرگانی بارها از ادعای تولیدی خواست و این نظام سهمیه‌بندی که قبلاً خاکم بود اجرا شود ولی کارخانه‌ها اعدا می‌کنند. دو مشکلات مال دارند. از این سبب است که استغفای می‌کند و استغفای از نوع ارز دولتی به تفهنگی بالای ایجاد می‌کند که باید به سراغ واحدهای تولیدی که بودند این مراجعه به معنی مراجعه به همان کسی که است توان‌هایی خوبی دارند و از سالیها قبل از انقلاب به عنوان عامل و نماینده توزیع محسوب شده‌اند اما در شرایط جدید توزیع از روند توزیع ناموثری کفنه شده‌اند تا ایجاد اشتباهی‌های اخیر این امکانات سرچا به سوی کارخانه‌ها آمدند و به عنوان مثال یک است که طرف این واحدها دراز کردن این افراد اعدا کنند که نوان حل مشکل تولیدی را دارند و مقادیر هم به ترتیب عمل کردند. مثلاً تا جایی از فلاان شوهرستان آمده و چندین ده میلیون تومان در اختیار واحد می‌گذارند. حال باید دید در این صورت برخورد مدیر واحد

تولیدی با تعاونی چگونه خواهد بود و خود را مدیون به کسی خواهد داشت. آیا در این صورت مدیر واحد تولیدی خود را ملزم به رعایت دستورالعمل‌هایی ما خواهد داشت؟ وقتی با تعاونی به واحدی مراجعه می‌کند، با کم هزینه مساجان واحدها و روزی می‌شود در صورتیکه با بازرگانان و تجار با تلف و مصیبت بیشتری برخورد می‌شود ما علاقت گردید ما ترتیبی اصلاح کنیم تا تعاونیها بتوانند با شرکتی جدید

سهمی از کالاها را دریافت کند تعاونیها حاضر شده‌اند که اصلاح قیمت به خرید خود ادامه دهند ولی با وجود بهبود اقتصادی آنها و درآمدی برین این امر یکی دوازده سال پیش در واحدهای تولیدی عدم تأملی نسبت به تحویل کالا به تعاونیها وجود دارد به عبارت دیگر عدم تفهنگی بخش تعاونی، در واحدهای تولیدی ایجاد حلاوت می‌کند که همسوزی در مقابل آن نظم محسوب می‌شوند استوار می‌گردد تا نامه‌ها در مراستهایی که نوشته‌اند، این مشکل در سال ۶۶ حل شود.

● اطلاعات: واقعاً آمادوار بود؟
اسلامی نسبت به... مقادیری آمید داریم، ما باید آمادوار باشیم.

تقدینگی و تورم
● اطلاعات: ما می‌خواهیم در مورد بخش تقدینگی بخش خصوصی در مقابل شدن توزیع کالا در کشور نیز صحبتی داشته باشیم.

اسلامی نسبت به شرایط تورمی، تورم به همه چیز سرایت می‌کند و پایه سیاستی کالاهای و خدمات را بالا می‌برد. در برخی از کالاهای ارز بیشتر است تقدینگی در حال حاضر به عنوان یک واقعیت مسلم در کشور ما مشغول کار خود است ما سعی داریم بخش از نیازهای اصلی جامعه را در برخورد گروه تورم با آنها کنار نگه داریم تا این نوع عقیده روی نیازهای عامه مردم سرزایر شود بنابراین سعی داریم حلقه‌ای به دور بخشی از کالاهای بکنیم. در سیستمی که بود، و تفهنگی و آثار آن وجود دارد. کالاهای معلوم است که خواست تقدینگی چیست ما سعی می‌کنیم خلاف جهت این خواست قدم برداریم. این حلقه‌ها ما بر این اصل استوار است که مستقیم صرف پول و قدرت خرید اصل امور است. تا به حد امکان کالاهای وارداتی را با سایر اقلام اعتقادی ما متناظر دارولی از طرف دیگر می‌توانیم که ما با افزایش از درآمد وجود دارد. منابع اقتصادی فعلی برای بران و شکل است ولی ما سعی نمی‌توانیم تسلیم باشیم یا فشار ارزهای داخلی و ما تسلطی که دولت می‌تواند بر اقتصاد داشته باشد، و خصوصاً به تسلط دولت بر ارز دولتی، ما حلقه‌ای به دور برخی از کالاهای می‌کشیم و سعی می‌کنیم کالای کم دراز فقط در این حلقه مصرف جایگزین شود. در بیرون از این حلقه، تقدینگی است و ما به سایر ما را تعلیم می‌کند از نظله‌ای که وارد کشور می‌شود. مساجان تقدینگی ظاهر شده و اظهار می‌دارند که خریداری، پیش بیست می‌دهیم، ما حلالیم حتی قبل از حمل کالا از کارخانه، وجه ابرای بریداری، قبل از اینکه مواد اولیه وارد کارخانه شود، صاحب تقدینگی در کارخانه حاضر شد و می‌گوید حاضر کم محصول را بخرم. اکنون مشکلات ما واحد را حل می‌کند. فقط می‌خواهم که لایق تولید شده را در اختیار من بگیرم و به آنچه ما تولید داریم به مصرف کننده بیاورم. تقدینگی کالای وارداتی را تعلیم کرده و قصد دارند از مسیر بارهای کم و کنترل شدن این امر می‌کند برای این کار نیز روشی شناسیده بود چون از خارج عمل می‌کند و یک جنون سرمایه‌داری تمام عیار است. متأسفانه ما وجود کثرت کثرت این حلقه و بخش به مسیر عبور کالاها، به علت شلای و چشم بزرگان تقدینگی، کابلی حتی، کالای مصرف مورد نظر خارج می‌شود حتی کالای کوبنی نیز در خارج مسیر توزیع این پیدا می‌شود.

● اطلاعات: ممکن است در مورد سیستم قیمت گذاری نیز توضیحاتی بدهید و این مساله را با توجه به چند نطره بودن ارز برسی کنید.
اسلامی نسبت به ما اکنون چند نوع قیمت گذاری داریم. یکی سری از کالاهای صاحب قیمت تصمیمی هستند که دولت را تعیین می‌کند. قیمت یک سری دیگر از کالاهای قیمت تقدینگی توسط تولیدی اقتصاد تعیین می‌شود. یک سری از کالاهای نیز مشمول دریافت ثابت الحاقات هستند و توسط شورای اقتصاد تعیین قیمت می‌شوند. در مورد کالاهای عمومی که تولید یا وارد می‌شوند، دستگاه قیمت گذاری، قیمت تمام شده را در محاسبه می‌کند که به توجه به

*** ما فکر می کنیم باید ارز صادراتی را به بخش تولید اختصاصی دهیم و واردات کالا با ارز صادراتی نیز در اختیار تعاونی ها و مصرف کنندگان نهایی باشد.**

*** زشت ترین کاری که می شد کرد و بیشترین اعتباری که می شد به دلار آمریکا داد، همین کاری بود که برخی از واحدها به آن دست زدند و به فروش ارزی - رمالی پرداختند.**

عوامل مهمی از موارد اولیه و هزینه های جاری و ثابت تعیین می شود. در شرایط بحران ارزی، واحدها مجبور شدند با رساندن کمتر به کار خود ادامه دهند. از سوی دیگر سیاست داشتیم که برای واحدها نیروهای کارگری خود را اخراج نکنیم. معلوم می آمد این است که هزینه تولید بالا برود و طبیعی است که قیمت تمام شده در این موارد بالا رود. از این بابت ما مسئول یک فشاری تحمل کردیم و در حقیقت بهای حلقه انتقال را از مصرف کنندگان گرفتیم.

مورد دومی که اخیراً وارد جریان کارها شده ارز غیر دولتی است که تفاوت فاحشی با ارز دولتی دارد. ما بعد از انقلاب بلافاصله سیاست اقتصاد را بر مبنای ارز دولتی حفظ کردیم و عملاً ما ارز غیر دولتی با قیمت گزاف حضور چندانی در اقتصاد نداشت. در سال ۶۵ یکباره از یک کربلای حضور ارز دولتی، در سیمت تولد و صادرات، بازگشتیم. کاشش پیدا کرد از یک حضور ارز غیر دولتی جای آرزو گرفت. معلوم شد که این است که دلار ۴۰ تا ۵۰ تومان سپرد و قیمت کالاها را به این راه به دلار ۱۰۰ و قیمت ارز دولتی داد. خوشبختانه وجود مواد اولیه از سالها قبل، زمینه افزایش قیمت ها را کاهش داد. در برخی از واحدها افزایش داده شد که برای صادراتی قدری از مشکل خود را حل کنند و پیش می می شد که این ارز دولتی نسبت به کل محصول آنها ناچیز است و لذا نمی بایست اجتناب نوروزمان باشد. قیمت ماهی از سال ۶۵ به این شکل گذشت. در نیمه دوم سال ما با کاهش قیمت مواد اولیه مواجه شدیم و واحدها اسرار داشتند که به ارز صادراتی و برخی به ارز آزاد مواد اولیه خود را تأمین کنند. طبیعی است معلوم این عمل برای مصرف کننده در قیمت خود خواهد داشت. مدتی حتی شد که تسلیف افزایش قیمت تسریع ولی با توجه به اینکه زمان می گذشت و فشار تولید کننده زیاد بود و برای ما هم این مهم بود که انتخاب کنیم گرانتر داشته باشیم و با اصولاً تولیدی داشته باشیم. در مورد کالاهای ضروری بپذیرفته شد که تولید و ولی قیمت استفاده از ارز صادراتی، حفظ شود. در برخی از کالاهای غیر ضروری این اجازت حاصل شد. از ارز صادراتی هم به آنها ندادیم و آنها را از گروه ارز صادراتی هم خارج کردیم.

ملاک قیمت گذاری تا مدتی بر مبنای محاسبه دلار تا ۲۰۰ درصد از ارز برای دولتی آن بود. چند ماهی هم اینکتر انجام شد و این مورد وارد محاسبه قیمت تمام شده کالاها شد. بعد از آن دیدیم که بهای ارز صادراتی در تدریج در حال بالا رفتن است، یعنی از کالاهای طبیعی مشکلات ما همیشه این بوده است که ما نمی بایست برای ارز صادراتی تقاضای نابرابری وارد کردیم.

قیمت زیرا این امر قیمت ارز صادراتی را در صورت نامقول افزایش می دهد. لذا ما سخت گیری اجازت استفاده از ارز صادراتی را داده ایم و به علت افزایش بهای ارز صادراتی این روش کار ساز نبود و تصمیم گرفتیم در حدود سال ۶۵ ارز تولیدی داخلی منافی محاسبه ارز صادراتی را از ۲۰۰ درصد افزایش دهیم و این موردی برای این اجازت کنیم البته سعی داشتیم این شیوه برای کالاهای وارداتی



اعمال نشود و تنها برای تولیدات داخلی مد نظر باشد. دلیل آنهم این بود که می خواستیم ارز صادراتی در عین حال اشتغال هم ایجاد کند. بنابراین مشروط بر تأمین بخشی از نیاز جامعه و ایجاد اشتغال، این سیاست را بپذیرفتیم. ولی به هر صورت نقش ارز صادراتی در کالاهای تولیدی ارز دولتی و مورد کالاهای وارداتی هم سببسته بدون اشتغال ارز محور ارز صادراتی بود. در بخش تولید سعی شد که در ارز ارز زائتر صادراتی استفاده شود. اما در مورد بخش واردات تأمین ما این بود که این حجم کالای ساخته شده بدون اشتغال ارز وارد کشور شود. از آنجا که اهل تجارت و نقدینگی همواره به دنبال مغز و منتظر می گردند، مغایر را که در سال گذشته پیدا کرده است موضوع واردات شناسنامه ای بود که شکل تجاری بسیار درگرمی به خود گرفت و تا همین اواخر هم حجم آن برای خود ما چندان روشن نبود.

واردات شناسنامه ای اشتباه بوده است

مگر اطلاعات، این شما اطلاعاتی در این مورد دارید؟ می توانیم بگوییم حجم این واردات شناسنامه ای چه مقدار بوده است؟ این از نظر نظری می گوئیم که همه اشکال تجاری هستند. مشهود بود است ولی بعضی ارائه می شد.

اسلامی نسبی، بنا به قولی من شنیده ام که ۱۰ میلیارد تومان درآمد ارزی، ۷ میلیارد آن مربوط به سهم خود واردات است. کار خودتان فیس بگیریم و حجم کالای محاسبه کند البته در سال ۶۶ از است گزارش آن کار را بگیرند و با گزارش هر دو، میان مقایسه می کنند. ولی گزارش دولت چون در این امر غمگانه گنجانده شده، باید اول به تشریح پرداخت برسد.

اطلاعات، به عقیده شما اجازه دادن به بانک واردات کالایی که کالای ضروری را تولید می کند، بیرون ادامه تولید با ارز ۴۰ تومانی، اجازه دادن به افزایش بیشتر قیمت است؟

اسلامی، مردم این خورده این مقدار منتف اشغال مهم است و از طرف دیگر برخی کالاها وجود دارند که چنانچه در داخل تولید شوند، امکان آن هست که از خارج به شکل ساخته شده وارد شود. واحدهایی هستند که اعتراض می کنند که اگر برای تولید کالاها لازم بود، باید چنانچه خارج آن در بازار درون تولید کنند.

اطلاعات، این مشکل دیگر موضوع و موضوع مغز است و از جای دیگری باید به حل آن پرداخت. مثلاً باید با وجود این واردات با فاجای آنرا گرفت. ظاهراً بنا بود بر اینکه مصرف خود را تغییر دهیم و خود شما این چند ساله از مدافعین تغییر الگوی مصرف بوده اید. وقتی ما در مقابل این موضوع تسلیم می شویم و می گوئیم ما کمر نزنیم تولید داخلی چنانچه بازار آزاد خواهد گریه، پس تولید نمی اجازت ادامه الگوهای جاری را باید مدبر صادر کرده ایم. اینطور نیست؟

اسلامی نسبی، این تغییر به شکل درست است و می تواند واقعیت داشته باشد. اولاً اگر بخشی از تولیدات ما با صورت بگیرد، عملاً روی سایر قیمتها اثر می گذارد. مثلاً مشکلات همین است. مثلاً شرکت تولید کپسول ۱۰۰ ریالی است و بهای پای آن ثابت خارجی که حتی ۲۰۰ گرم وزن دارد خود از شکر ساخته شده ۱۵ تومان است. این فاصله گیری

*** برای اینکه بتوانیم برنامه ها را به انجام برسانیم، به قانون و برداشت ذهنی واحدی در مورد تجارت در سطح کشور نیاز داریم.**

*** خس می شود که بانکها علی رغم مصوبه شورای عالی بانکها هنوز هم به ارائه اعتباری به بخش تجارت داخلی ادامه می دهند.**

لیستها برای ما در سایر زمینه ها ایجاد مشکل می کند. قیمت ها مانند ظروف مرتفع شده است. اگر در بانک بخش قیمت را مدد موح آن سایر بخشها را هم در بر خواهد گرفت و حتی سرمایه گذاری را به سمت شکاف ایجاد شده خواهد برد. در زمان گذشته بنیابین قیمت ما میل داشتیم این گونه رفتار شود. خیلی هم محدود این اجازت داده شد. مجوزی، حتی به بانکها خیلی از واحدها بخواستند تا ارز آزاد کار کنند صادر نشده. افلاسی هم می توانست با ارز آزاد به تولید ادامه دهد شاید از انگشتان دو دست هم کمتر باشد.

اطلاعات، حتی اگر فرض کنیم ۱۷۰ میلیون دلار واردات بدون اشتغال ارز دولتی کالاهای ساخته شده وجود و مواد اولیه نبود، از طرفی از آنی مشابه وجود دارد. شما به مشکلات اشاره کردید تعداد زیادی واحد تولیدی که این مواد اکنون در کشور شروع به کار کرده که احتمالاً به خاطر اینکه هیچ مجوز و بانه ای ندارند از صمیمه شکر و روغن صنعتی هم استفاده نمی کنند. ولی با قیمت بالا تولید می کنند و پرداخت بهای آن توسط مصرف کننده فقط ضایع است. که مصرف کنند این است که کالا را به نوع مشابه خارجی می آید. نسبت آن در حال با واردات این چنینی نیست و اجازت می دهد که لیستهای بی مهیا بالا برود.

اسلامی نسبی، به نظر می آید که در سال گذشته تجربه ما در تجربه جدید بود و چندین کار واحد با توانم با بکنیکری به شکل خرواسته و با نافرمانی و به خاطر فشار اشتغال، حفظ واحدها و نیزایلی مردم ایجاد دادیم. ولی ایجاد می توانست این موضوع را تحت نظر بیشتری در پیوریم و تجربه هم به در سال گذشته که ما نشان داده که اگر مقراری بود، پیاییم، ثورق خود چند برابر به ما چنگ و دندان نشان خواهد داد.

اطلاعات، پیوروشهای که انتخاب کرده بودیم درست نبود؟

اسلامی نسبی، می توانیم این روشها را به نظر بیشتری در جوامع این تجربیات می تواند اگر را به جای بهترین برساند. منتضی برخی از مسایلی ما برای حل شدن احیای به زمان دارد. مثلاً ما باید در مورد اشتغال و حجم آن را فکری داشته باشیم و پیاییم از سیستم بانکی بگیریم تا واحدها این قطع زمانی را بگذرانند و در آینده اشتغال وضع بهبود پیدا کند. اینکه ما بگیریم دولت به شکل نسبی نمی کند و با ارز آزاد هم حق تولید نایبید ولی از طرف دیگر مشابه معقول به صورت واقعی وارد شود. کار مشکل و نادرستی است. ما باید معیتر را، در کار خبر تریم را در انتخاب کنیم.

توزیع واردات بخش خصوصی

اطلاعات، آمار سال گذشته حاکی است که علاوه بر واردات ۳۰۰ میلیون دلار کالا با ارز غیر نسبی، بخش خصوصی خود ۱۴ درصد واردات کشور را در ارز نسبی در اختیار داشته است. این واردات در مواردی بود و چگونه توزیع می شود.

اسلامی نسبی، بخش ارز این رقم، متعلق به کارخانه های خصوصی است و بیشتر مواد اولیه آن کارخانه ها است و طبیعی است که ما در سیستم توزیع خود بر محصول آنها نظارت کافی داریم. البته اگر این محصول، کمتر در بازار

کالاهای اساسی باشد. ممکن است نظارت ما خیلی کامل نباشد یعنی از این واردات ما کالاهای خاصه هست که ممکن است تلفات بهتری باشد که اینجا بیشتر کالاهای اساسی کار با آنها تخصصی است و با متعلق به شرکتی است که بعد ارائه خدمات نسبت به مارک خاصی را امتیاز شده اند. به طوری که می تواند شامل خدمات مصرفی خاصی باشد که البته منظور کالاهای مصرفی زودبهره نیست و کالاهای است مصرفی مربوط به بخش خدمات و ما روی آن نظارت همه مدخله داریم. البته ممکن است کالاهای مورد داشته باشد که محاسبه نمی شود.

● اطلاعات، وزارت بهداشت برای تغییر الگوی مصرف کشور که همیشه مورد تأکید بود، تاکنون به اقداماتی انجام داده است.
این کشور به رشد گریز الگوی مصرف چند عامل نقش دارند یکی از این عوامل قدرت خرید است. دیگری الگوی تولید و انرژی واردات است و ارزشهای اجناسی جامعه نیز نقش تعیین کننده ای دارند. این ارزشها می تواند به روش های فنی و با سیاست رده های انرژی و سیاسی باشد.

ما تازه به ارزشهای اساسی و شرایط زندگی می باشد الگوی خاصی را شناخته باشیم و به آن عمل کنیم. مقداری از این کار انجام شده است. اما سر ما باقی کالاهای اساسی که تمام مردم آن را می تواند از مصرف صرف کالاهای اساسی که مصرف آنها به خودی خود است. دو دلیل مهم تفاوت بود و قدرت خرید نداشتن علی رغم اینکه الگوی مصرف مردم نظیر دولت بود. این اگر را نگه دارد. در مورد حل این مساله قبل از همه باید ما بپذیریم توافق داشته باشیم به عقیده من شرط اولی این زمینه وجود ندارد. در مورد واردات، بسیاری ازتربوه ها حذف شده اند اما مورد تولیدات داخلی به علت عدم اثرات و نظارت دستگاههای حاضر این گونه عمل شده است و در این بخش هنوز جای کار بسیاری به چشم می آید.

سهیم بندی، جلوگیری از فشار

● اطلاعات: سهیم بندی کوبنی کالاهای اساسی چه دستاوردهای در زمینه های کاهش فشار، طرحی است. علاقه مندی کردن تریج و مقابله داشته است.
اسلامی است. کالاهای سهیم بندی شده به چند دسته تقسیم می شوند. برخی از کالاهای که مورد مصرف تمامی اقلام و رایج می شوند توسط کمیته مورد تعریف می شود. برخی از کالاهای مورد مصرف گروه خاص از جامعه بود. متوسط برخی از تریج می شود. مانند کالاهای ساختمانی و وسایل اولیه برای تولید کنندگان کالاهای خاص.
کالاهای کوبنی کالاهای سهیم است که در سه دسته خلاصه نقش صدها ای دارند و اصولاً شش صد درصد هزینه خانوار بانواد غذایی است و شامل نزدیک به ۴۰ درصد هزینه را تشکیل دهد. این تریج کنترل بهای این گونه مواد سهیم شده است که بار محسوس مردم می تواند روی این ۷۵ درصد باشد. داشته باشد از این کالاهای باشد.

محبوب به کمک سیستم کوبنی نوانتخاب مصرف را کنترل کرده. واردات را کاهش دهد. مثلا در مورد شکر. نسبت به قبل از انقلاب کاهش مصرف داشته است. از فرسال گذشته مصرف شکر را نسبت به سال قبل از آن ۴۰٪ هزار تن کاهش داد. قبل از انقلاب بیش از ۱/۲ میلیون تن شکر مصرف می کردیم که با کوبنی کردن تریج این ماده، مصرف ما به ۹۰۰ هزار تن افزایش جمعیت به ۱/۲ میلیون تن تقلیل داده شد. در سال ۶۰ باره مصرف ما کاهش داده و به ۷۰۰ میلیون تن رسیدیم این جود یعنی محبوب یکی از مهمترین ارها در تغییر الگوی مصرف است.

● اطلاعات: چه ضرورتی است سیستم سب می شود تا امروز بعد ۷۵ شهریور و غیره یعنی حدود ۴۰۰۰ متریلا جود تریج بود ولی سیستمی اولی بود. بعد از آزاد و دربار کوبنی می شود.

اسلامی نیست. مردم این مواد تولید مطرح است. مثلا در مورد تنباکو در سال ۵۹ تولیدی حدود ۳۶ میلیون تن بود. واردات مصرف داشته است. (بجز به اینکه تولید هرن اولی ماده حدود ۵۰۰۰۰۰۰۰ تن بار اولی در واردات) در سال ۶۰ تولید تنباکو بدون که در سال ۶۰ هزار تن رسید و به علت شروع جنگ اقتصادی مواجه شد و کشور تولید تنباکو و صادرات تنباکو به حالت انحصار قرار داد. سب می شود دولت به خاطر بهداشتی بودن

آنها کوبنی کند در هنگام جیره بندی تولید در حدود ۷۰ تا ۷۰ تن بوده است که در سال ۶۲ به ۱۲۰ هزار تن می رسد تا نحوه و تقاضا به سب و خورد و در کارخانه ما با نسبت محسور حاصل می شود در حالی که در بیرون مصرف کننده است و مردم کوهای خود را دریافت نمی کردند. بعضی مطالعه کردیم و بعد تصمیم گرفتیم این ماده را از گروه کالاهای خارج کنیم و در سال ۶۵ باره تولید به ۱۲۰ هزار تن کاهش یافت و این سب مصرف گریز برای کوبنی شده این ماده بود.

● اطلاعات: وزارت بهداشت برای تغییر تعمیم دادن به لایق برخی از کالاهای دیگر را دارد

اسلامی است. سیستم کوبنی را بر برخی از کالاهای مورد هم می توان اصلاح کرد. اما بر بسیاری از کالاهای به دلیل عدم مصرف بودن آنها این سیستم قابل اعمال نیست. مثلا در مورد تنباکو به خاطر محدودیت آن در کار گشته، اولی است. مثلا در مورد تنباکو که در سال ۶۰ در هزار تن بود.

● از ۳۰ میلیارد تومان درآمد گمرکی سال گذشته، ۷ میلیارد هم مربوط به واردات ششگانه ای بوده است و این رقم نشانگر حجم بالای این نوع واردات است.

● قیمت ها مانند ظروف مرتبطه عمل می کنند. اگر در یک بخش قیمت رها شد، موج آن سایر بخشها را هم در بر خواهد داشت.

● کنترل بهای کالاهای خوراکی که نقش اصلی را در سب هزینه خانوار دارند، سب شده است که بار عمومی تورم روی این کالاهای تریجی نداشته باشد.

دفترچه در اسباب مردم ایران داریم و به تهران به آن عمل شد البته در کنار این کار فعالیت گمرکی و گمرکی در تهران بیشتر شده.

کالاهای کوبنی به محض اطلاع کوبنی این تعهدی را برای دولت در جهت ایجاد همی کند. از این رو قبل از اینکه تولید گمرکی اجرا شود باید در مورد نام این مواد اولیه کالاهای تولید شود. کالاهای تعهدی وجود داشته باشد. اگر این اطمینان وجود داشته باشد ما با اطمینان بیشتری می توانیم برخی از کالاهای دیگر وارد و مصرف کوبنی کنیم. اما نسبت به این به شیوه ارزی در نظر است. نسای آنچه دولت بر می نهد آن مصرف می کند. اما اخیراً در نظر مصرفی تحت نظر آنچه از طرف دیگر برخی واحدهای اقتصادی تولید آنچه قیمت کالا را تعیین می کند و واردات مواد اولیه توسط آن سازمانی ازاد به خرید کرده امه دهد. این امر تقاضا برای ارز صادراتی را افزایش می دهد. ما قصد داریم تقاضای زیادی را برای ارز صادراتی وارد بازار کنیم.

ما فکر می کنیم باید از ارزی صادراتی را به بخش خصوصی اختصاص دهیم و واردات با ارز صادراتی را نیز به بخش تعاونی و مصرف کنندگان تهیه فرماییم و گمرکات ارز صادراتی هم باید کنترل شود تا ارزی بین گمرک و گمرکات و معلوم باشد و این فکر بشری نباید که چون ارز صادراتی می خریدیم یا قیمت ما به حساب می کشانند. شاید در برخی موارد کنترل ارز هم در موارد اجازه دادن به صادرات ارز در بخش خصوصی و فروش کالا در سطح بین المللی است. شاید بار کارهای پر خود کرد. این سیستم چندان خوب نیست چرا که ماضی خود را کنترل از این ماضی مشکوک می کشانند. نباید به آنها اجازه ارز زدگی داد. اگر در نظر شما، ماضی، حاشیه موجود است. ما به حساب اصلی را بر ارز دولتی بگذاریم و استثنا را از ارز صادراتی قرار دهیم.

● اطلاعات: حال که به وگرمته اشاره کردیم آیا به عقیده شما به عنوان یک مسئول بانکر، نسبت که وضعیت فعلی کالاهای تولید را با دلار به مصرف کننده برطرف است؟

اسلامی است. نسبت زشتی نری که می شد کرد و بیشتر این اعتباری که می توانست به دلار آمریکا داده شود. همین کاری بود که برخی از واحدها کردند و از نظر سیاسی زشت از نظر فنی خلاص بود. زمینه پیشش این اصل در جرمه در حال چگونگی که در روز شمار مرگ بر آمریکا می دهد بسیار ناسازگار است. یا این پدیده پر خود شده و دولت به چند این دلیل پر خود کرده است. ولی مسافله هنوز مهیم می شود.

● اطلاعات: نقش سیستم بانکی در بازگشتی داخلی سب سیستم اخیر چه بوده است؟
اسلامی است. سب سیستم بانکی در قبل از انقلاب ایجاد بازی نقش داشت. در خدمت روندهای سابق اقتصاد کشور بود. بنابراین از نظر این دادن اعتبار به سیستم بانکی بود. برخی از اجزای بانکی امروز به گمرکهای بیرون که می باشد بخش فعالیت باشد و ولی به باز فعالیت بانکی این بوده است که سیستم بانکی کشور سهم را به تجارت داخلی بدهد.

و به توضیح توری برای بانکی ها بود. این مساله است ولی غیره. بانکها نقش اصلی این بخش داخلی هستند. من هم می دانم که بانکها سهمی از اعتبارات خود را به تجارت داخلی بدهند. مانند هرگز من هم دیده ام. ممکن است چنین نباشد. ولی تجاری می باشد. این نقطه به دلایل مختلف ادامه دارد ولی سیستم است که سیستم بانکی اعتبارات خود را در این زمینه مطلقا به کار نگیرد. مگر مورد های خاصی که مورد حمایت دولت باشد.

● اطلاعات: در بیان خود شما قصد داشتید روی عملی به علاوه خردتان تأکید کنید؟

اسلامی است. من هم خردتان تأکید کرده است. بانکها یکی از بخشهای مهمی است که در این زمینه به ما به با پیوند بخشد. کمی صحبت کنیم برای اینکه بتوانیم به ما را به انجام برسانیم. اصحاب به قانون و برداشت ذهنی واحدی در مورد تجارت در سطح کشور داریم.
بجز آن هم لازم است که بر آورده کنند. به واردات وزارت بانکی باشد و این وزارتخانه تصمیم بگیرد که چه اقدامی در داخل تولید شده و چه کالاهای وارد شود. این دقیقاً این گونه نیست. ما به دنبال تولید رها می کنیم. ما به این سیستم که تعیین کنیم جامعه به چه اندازه و چه کیفی از هر کالا نیاز دارد. در حال حاضر منابع کشور در تولید کالاهای خاص می شود که ما با احتیاط بیشتر و در صورت رضایت ما هم صرف این اعتبار را باید بدهیم و وزارت بانکی قابل شد تا به عنوان شناخته مردم نیازها را بر آورد و امکانات را جهت تامین نیازها سب کند. نکته دیگر این است که در کار برنامه ریزی، باید قدرت لغات و برخورد با مختلف از سوی وزارت بانکی هم پیش برود. اگر بنا است مسائل حل شده بود. البته این امر اساسی است. هر وقت گرفتار آن احتیاط است. تلاشها را در نظر بگیریم و دستگاه قضایی در کار می بریم. این سیستم بارگرمه تخلیقی پرورش می دهد. این سیستم فعلی که خلاف کردن به جامعه به هم امر عراقی و مسئله تولید شده و حاشیستی نسبت به آن جود ندارد. سب کالاها هم می شود و ما باید نسبت به این قضایا حساس باشیم. طبیعی است که حساب و وزارت بانکی کافی شد. باید امر لغات و حساب متخلین بانکی داشته باشد.

● دیگر این است که ما به عنوان وزارت بانکی در زمان وزارت کشور، در مورد واردات و صادرات در همان دوره وزارت بانکی حضور نداشتیم. در ۷۰ درصد کشور، وزارت بانکی وجود دارد که در کنار ۷۰ درصدی وزارت بانکی وجود دارد. این سیستم اینها را می کشد. اگر کارگزاران به حساب هستند. جایگاه قانونی خاص دارند. اگر در سال ۳۶ وجود دارد. هم می باشد. اندازه وزارت بانکی حافظه در این مشکلات است. باید توجه داشت و باید در مورد روز گذشتیم. ما احتیاج به پدیده های خاصی در برداشتن این موضوع داریم. ما نمی توانیم به شکل به خود جنس به شهرستان برسیم و از آنجا به سوی محوایم. بر تریج نظارت کند و با اینکه باید این مسئله از فرماندهی برخورداریم به ما کمک کند. بنابراین باید در کار برنامه ریزی، تکنیکات وزارت بانکی در شهرستان گسترش پیدا کند و با کنترل محرب و منهدم کننده کشور را در حال تبدیل.